

پرده نقره‌ای

لامینور مهر جویی، غایب بزرگ جشنواره فیلم فجر؟



می‌گویند «لامینور» دنباله‌ای است بر فیلم پر حاشیه «سنتوری». فیلمی که در جشنواره درخشید و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران شد اما در همان روزهای اول اکران از پرده پایین آمد و اکران آن برای همیشه به پایان رسید. این دنباله را مهر جویی سال هابود که تصمیم به ساختش داشت. از سوی دیگر در «لامینور» خبری هم از بهرام رادان نیست و به جای او اولین تصویری که از فیلم منتشر شده، تصویر دختری است که سنتور می‌نوازد تا این گمانه را به وجود بیاورد که کارگردان «شیاح» این بار سراغ سوژه ملتپه‌تری رفته است از طرف دیگر در سال‌های اخیر حرفی میان تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها گفته می‌شود که شاید دلیلی باشد بر عدم حضور «لامینور» در جشنواره سی و هشتم. حرف درگوشی‌ای که از این می‌گوید که فرستادن فیلم‌ها به جشنواره حاشیه و جنجال فیلم را بیشتر می‌کند. اینکه برخی رسانه‌های خاص از همان اولین اکران در جشنواره اصطلاحاً پنبه بعضی فیلم‌ها را می‌زدند و فیلم در اکران به مشکل می‌خورد، در ست یا غلط، البته نکته‌ای است که بارها و بارها در جشنواره‌ها شنیده می‌شود. نکته‌ای که بعضی تهیه‌کننده‌ها مستقیماً آن را درباره منتقد مطرح بر نامه «هفت» تکرار می‌کنند و از فشار برای میزبانی فیلمشان بعد از نقدهای این منتقد می‌گویند اینها همه در کنار هم و تجربه‌های ناموفق آخرین حضورهای این کارگردان در جشنواره فیلم فجر شاید دایلی باشد بر اینکه داریوش مهر جویی قید حضور در جشنواره سی و هشتم و رقابت با مسعود کیمیایی و ابراهیم حاتمی کیا و مجید مجیدی و یک لیست بلندبالا از کارگردان‌های جوان و تازه‌نفس سینمای ایران را زده و در نهایت فیلمش را به جشنواره نفر ستاده است.

ثبت قرارداد اکران دو فیلم جدید



قرار داد دو فیلم جدید برای اکران در آذر ماه ثبت شد. غلامرضا فرجی (سب‌خنگوی شورای صنفی نمایش) در گفت‌و با خبرنگار ایلنا، با اشاره به مصوبات جلسه دیروز (یکشنبه ۳ آذر) این‌شور گفت: قرارداد اکران فیلم «یادم‌تورافراموش» در گروه سینمایی زندگی بعد از پایان فیلم «آشفنگی» و قرار داد اکران فیلم «نجاهمان‌ساعت» در گروه سینمایی زندگی بعد از پایان اکران فیلم «یادم‌تورافراموش» ثبت شد. وی ادامه داد: قرارداد اکران فیلم «بیست‌وسه نفر» در گروه سینمایی باغ کتاب بعد از پایان اکران فیلم «چشم و گوش بسته» ثبت شد و اکران فیلم «یلانچ» از روز چهارشنبه ششم آذر آغاز می‌شود. وی ادامه داد: اکران سایر فیلم‌ها به دلیل بالا بودن کف فروش ادامه دارد.

اعلام آمار فیلم‌های متقاضی جشنواره فجر ۳۸

آمار فیلم‌های متقاضی جشنواره فجر ۳۸ اعلام شد. به گزارش ایلنا، با پایان مهلت ثبت نام آثار برای حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر ۱۱۵ فیلم سینمایی به همراه ۳۶ فیلم مستند فرم ثبت نام جشنواره را تکمیل کرده‌اند که در میان فیلم‌های سینمایی ۳۷ اثر به فیلمسازان اول اختصاص دارد. بنابر اعلام سیمون سیمونیان (مدیر دبیر خانه جشنواره) کلارزیایی آثار از نظر تطابق با مقررات آغاز شده و بعد از دهم آذر ماه (آخرین فرصت ارائه نسخه فیلم) بازبینی فیلم‌ها توسط هیات انتخاب آغاز خواهد شد. سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه سال جاری همزمان با گرمی داشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دبیری ابراهیم داروغه زاده بر گزار می‌شود.

درباره خشونت «خانه پدری» همین بس که اگر آن شروع منکوب‌کننده و صریح فیلم نبود، تمام روایت دوار داستان از نفس می‌افتاد و اتفاقا خشونت فیلم خاصیت کار کردی دارد و درام بر مبنای آن شکل گرفته و یکی از بهترین شروع‌های چند سال اخیر سینمارا رقم زده است

است که بر برخی مخاطبان آن را به عنوان پاشنه آشیل فیلم قلمداد کرده‌اند و در کمال شگفتی فیلم را کسل‌کننده دانسته‌اند. درباره خشونت همین بس که اگر آن شروع منکوب‌کننده و صریح فیلم نبود، تمام روایت دوار داستان از نفس می‌افتاد و اتفاقا خشونت فیلم خاصیت کار کردی دارد و درام بر مبنای آن شکل گرفته و عجیب آن که منتقدان فیلم چگونه خشونت زائد و حشو فیلمی مثل «شبی که ماه کامل شد» را ندیده‌اند. در جایی از آن فیلم پای سفره‌ی شام، سکانس سربری اجرا می‌شود و مخاطب واقعا بختش برمی‌گردد و چیزی از داستان پیش نمی‌رود در صورتی که در «خانه پدری» تک تک عناصری که در در سکانس ابتدایی کاشته می‌شوند بعدا کار کرد دراماتیک دارند، اتفاقا این یکی از بهترین شروع‌های چند سال اخیر سینما بوده. مورد دوم با همان مساله تکرر که با دقهیمی به کسالت و یکنواختی تعبیر شده، اتفاقا یک تمهید روایی است برای نفوذ و بسط بن‌مایه‌ی داستان. در واقع تکرار خشونت در اشکال متنوع و به مرور کاهنده در بازه‌های زمانی مختلف، مفهوم را در ذهن بیننده قلاب می‌کند و اگر تشابه مضمونی ایپزودهای مختلف نبود که اساسا فیلم دچار لکنت می‌شدد، گر چه که این اشتراک مضمونی گاهی به ساختمان اثر ضربه می‌زند مثل روایت باسمه‌ای و اجرای ضعیف در دهه شصت و روایت ربابه. تعهد مضمونی گاه روایت را از حیث رئالیسم دچار خدشه می‌کند اما آن قدر نیست که موجب افت فاحش فیلم شود. و در پایان این که یادداشت باید طولانی‌تر می‌شد و مجالش نبود.

ضد کلیشه در «خانه پدری» به مکان جان می‌بخشد. فیلم، پر از این ظرایف است و اینجا ست که فوت کوزه‌گری حرفه‌ای‌هایی چون عیاری نمایان می‌شود و تفاوت میان امثال او و کارگردان‌نماه‌های متصل بهتر مشخص می‌شود. مثال‌ها همیشه جان کلام را عریان می‌کنند. همین روزها فیلمی به نام «شاه‌کش» اکران شده، در آن فیلم هم با یک لوکیشن محدود مواجهیم و البته در آن جا مکان کاملاً الکن و بی‌هویت است، چون دوربین نقش یک دوربین مراسم ختم را دارد.

چهارم؛ این سال‌ها خیلی از سینمایی موسوم به اجتماعی حرف شده. خیلی‌ها می‌گویند چنین دسته‌بندی نمی‌تواند منطقی باشد و اساسا فیلم غیراجتماعی هم مگر داریم؟ در هر صورت آن چه که واقعیت دارد این است که کلی آثار بسی در و پیکر داریم که چون نه این هستند و نه آن، خودشان را اجتماعی و البته دغدغه‌مند معرفی می‌کنند! همین روزها فیلمی به نام «هزارتو» اکران شده که در بلبوردهای تبلیغاتی‌اش آورده‌اند؛ اجتماعی‌ترین فیلم سال! حالا این اجتماع‌ی می‌تواند هر چیزی باشد. در چنین فضایی ایده و پردازش آن در «خانه پدری» با گمان می‌کنیم تا چند ثانیه بعد قرار است کسی داخل آن بیفتد تا احيانا خنده‌ای تولید شود! این تمهیدات حیاط نگاه کنید، عموی ملوک کنار همان حوض تعریف خشونت آمیزی از غیرت می‌دهد. پدر ملوک به مانند یک قاتل بالفطره با آب همان حوض به نمایش نوعی از سفاک صفتی دامن می‌زند. همین را مقایسه کنید با کار کرد حوض در بی‌شمار فیلم‌هایی که به محض مشاهده‌اش گمان می‌کنیم تا چند ثانیه بعد قرار است کسی داخل آن بیفتد تا احيانا خنده‌ای تولید شود! این تمهیدات سوم؛ اینجا می‌خواهم از تکنیک حرف بزنم، در سینمایی که پول‌ها با راننتی ست و با اصولا پولی نیست که فیلمساز مستقل وسط گود بیاید، «خانه پدری» یک مثال نمونه‌ای است برای آن که ایمان بیاوریم می‌شود فیلم آپارتمانی (منظور محدودیت لوکیشن است) ساخت و به کلیشه نیفتاد و ره خود جست. اگر البته پای اهل فن وسط باشد. نوع قاب‌بندی، نقش میزاسن و حرکت دوربین در همان محیط محدود به سان یک فیلم آموزشی نشان می‌دهد که چگونه می‌شود از یک مستطیل یا همان قبر ملوک برای یک خانه، داستان و توامان هویت ساخت و البته از پنجره‌های مشبک یک خانه قدیمی در پچه‌ای برای توصیف وضعیت زن معاصر ساخت. به طور خاص از قصاب مکرر تاب و دخترک شادمان حرف می‌زنم. یا مثلاً به کار کرد حوض در وسط



واقع گرایی موجود در فیلم با همان ابزارهای نوستالژی علیه نوستالژی قیام می‌کند. خانه‌ای با صفا و با آن انگورهای دل‌با فرش‌های رنگارنگ و خوش نقش و نگار، زنانی که لباس‌های اصیل به تن دارند اما این بار خلاف جریان رایج روز قرار نیست برای ما حسرت برانگیزند و برعکس راوی خشونت و جهلی نهادینه شده هستند. شرح یک گذشته واقعی که قرار نیست مخاطب را تخدیر کند.

روایی، یک انتخاب کاملاً مناسب است. در سینمایی که همه تلاش دارند از نهنگ حرف بزنند و کلی مضمون را در یک ظرف می‌ریزند و عاقبت قورباغه زایمان می‌کنند، این یک موهبت است که فیلمساز خواسته یک «حرف» را بزند اما آن یک «حرف» را در ست بزند. شاید بشود اسمش را گذاشت «قناعت روایی». «خانه پدری» از این حیث یک اثر متمایز و متفاوت است در سطح کلی سینمای ایران. دوم؛ نوستالژی یا همان غم شیرین گذشته به شکل فزاینده‌ای طی سال‌های اخیر محبوبیت روزافزون داشته. نیاز به مذاقه و تفسیر و تحلیل خاصی هم نیست. اگر زیر پل سیدخندان احساس گرسنگی کرده باشید یک ساندویچی می‌بینید که اسمش را گذاشته: دهه شصت. مملو از عناصر روزمره متعلق به گذشته که حالا با فیلتر هدفمند آذهان ناامید و غم‌زده حبس خوب گذشته‌ای از دست رفته می‌دهد. این مثالی از خیابان بود و عرصه هنر که اساسا جای این تاویل هاست و طبعاً کلی آغشته به نوستالژی شده. در این میان و در هیاهوی هم‌خوابگی جامعه با غم شیرین گذشته، «خانه پدری» علیه گذشته‌گرایی حرکت می‌کند و عجیب آن که این طی مسیر در محیطی رنگارنگ و دل‌ریا انجام می‌شود. یعنی رئالیسم و

ایمان عبدلی

از نظر گاه شخصی مواجهه با «خانه پدری» حسی مبهم و انباشته از نگرانی داشت. از بس که فیلم طی این چند سال در رفت و برگشت بوده، حتی زمانی که مشغول تماشای فیلم بودم، گمان می‌کردم که شاید فیلم نیمه‌کاره بماند و دستنی از غیب برسد و فیلم را توقیف کنند! این اشتراک گذاری حس شخصی‌ام را به جای مقدمه بیذیرید تا چند دلیل در راستای اهمیت فیلم پرماجرای «خانه پدری» بیاورم، شاید که برای شما هم قانع‌کننده باشد که با فیلم مهمی مواجهیم.

یکم؛ «خانه پدری» شبیه به یک رمان است که پنج فصل دارد. تمام ماجرا در یک خانه می‌گذرد، یعنی مکان ثابت است، اما زمان متغیر است و در یک سیر خطی از گذشته دور شروع می‌شود و به گذشته‌ی نزدیک می‌رسد. خط روایت سیر خطی دارد و عمادانه سعی شده از فربه شدن خرده روایت‌ها جلوگیری شود. حتی از ارجاعات و گریزهایی مثل زمانمند کردن روایت پرهیز شده تا داستان متمرکز بماند. یک نمونه جایی است که زغال فروش جلوی در خانه است و یک دیالوگ دربار روس‌ها می‌شنویم. این تنها نمونه از زمانمند کردن داستان است. برای روایتی با این حجم از نشانه و نماد و کاراکتر، تمهید خلوت‌گویی

یادداشت

مهناز افشار در یک شبکه ماهواره‌ای دیده شد

آبان نامجو

«شور عشق»، دو چهره جوان و بسیار مشهور را به سینمای ایران معرفی کرد؛ بهرام رادان و مهناز افشار.

رادان و افشار در میانه‌های راه تلاش فراوانی کردند تا صرفاً به خاطر ظاهرشان معروف نباشند و چهره دیگری از خود نشان دهند؛ تا حدی هم موفق شدند، مثلاً نقش آفرینی رادان در «تردید» و اروژ کریم‌مسیحی یا هنرنمایی افشار در «برف روی کاج‌ها» تغییر مسیر باز یگرانی بود که نمی‌خواستند در مسیر قبلی در جابزنند.

مسیر حرفه‌ای افشار در نوسان میان سینمای نخیه‌پسند و تجاری در رفت و آمد بود تا جایی که نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی، بُعد دیگری از مهناز افشار را به جامعه شناساند. حضور پررنگ و اظهار نظرهای خاص اجتماعی که گاه برخی مرزها را هم پشت سر می‌گذاشت از افشار یک سلبریتی فعال اجتماعی ساخت، تا این که بنا به برخی ناکامی‌های گسترده‌ی سیاسی و اجتماعی بخش اعظم جامعه به این وضعیت واکنشی شدیداً منفی نشان داد و حتی واژه سلبریتی چیزی شد که بار منفی پیدا کرد. کار به مچ‌گیری از سلبریتی‌ها رسید و آن

ماجرای یاسین رامین و شیر خشک به میان آمد و نقش آفرینی‌های اجتماعی افشار تحت تاثیر قرار گرفت. شاید سکونت در آلمان تنها راه چاره مهناز افشار برای فرار از هیاهو بود. حالا اما در تازه‌ترین خبر از آن ور آب‌ها، افشار دوباره تیتتر یک رسانه‌ها شده. تیزری که از یک بر نامه استعدادیابی در شبکه ام‌بی‌سی پرشیا بیرون آمده، مهناز افشار را به عنوان یکی از داوران برنامه در کنار ابراهیم حامدی و آرش نازنین مفیدی نشان می‌دهد. نکته اینجا ست که افشار حجاب دارد و ظاهراً نمی‌خواهد راه برگشتش بسته باشد، باید منتظر روزهای آینده ماند و دید



شخصی چون «ابی» را برخی محافل تحمل خواهند کرد؟

که آن شایعه ممنوع‌الفعالیتی مهناز افشار رنگ واقعیت می‌گیرد؟ و اساساً نشستن کنار